





دانشگاه امام صادق

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

گرایش فقه و مبانی حقوق

بررسی فقهی مرور زمان در امور مدنی

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسینعلی سعدی

استاد مشاور:

دکتر مسعود امانی

دانشجو:

امین ناصری

زمستان ۱۳۹۱

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد برای دانشگاه امام صادق (علیه السلام) محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه: آقای امین ناصری کد دانشجوی: ۸۴۳۲۳۵۱۸

تحت عنوان: بررسی فقهی مرور زمان در امور مدنی

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد می کنند.

اعضای هیأت داوران نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	محل امضاء
(۱) استاد راهنما: دکتر حسینعلی سعدی	دانشیار	
(۲) استاد مشاور: دکتر مسعود امانی	استادیار	
(۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر حسین هوشنگی	دانشیار	
(۴) استاد ناظر:		
(۱) دکتر حسین بیرشک	استادیار	

چکیده:

مرور زمان را می‌توان تاثیرات زمان بر اکتساب یا اسقاط حقوق یا تعهدات یا تکالیف نامید. بنابراین مرور زمان ممکن است اثر اکتسابی یا اثر اسقاطی داشته باشد. در حقوق ایران مرور زمان در ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی تعریف شده است «مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوا شنیده نمی‌شود». مرور زمان مدنی اصولاً مسئله‌ای حقوقی است، لکن ناظر به مرحله دادرسی؛ و از مباحث مهم آیین دادرسی مدنی است. در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان مرور زمان را در حقوق مدنی، به طور کلی مخالف موازین شرعی می‌داند. مرور زمان عام یعنی مهلت‌ها و مواعد در قوانین مورد تأیید شورای نگهبان پذیرفته شده است که ماهیتی یکسان با مرور زمان خاص دارند. در متون روایی امامیه روایاتی وجود دارد که در مجموع می‌تواند مبنای پذیرش قاعده مرور زمان قرار گیرد. مشروعیت مرور زمان مدنی را با اصول و قواعدی مانند قاعده اعراض، اسقاط و ابراء، حیازت، حکم حکومتی و قاعده عقلی ضرورت حفظ نظام اجتماعی نیز می‌توان پذیرفت.

واژگان کلیدی: مرور زمان مدنی، قاعده اعراض، قاعده حیازت، حکم حکومتی، قاعده حفظ نظام اجتماعی.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
الف. بیان موضوع	۲
ب. اهداف تحقیق	۲
ج. سوالات تحقیق	۳
د. فرضیه تحقیق	۳
هـ. سابقه و ضرورت انجام تحقیق	۳
و. روش تحقیق	۴
ز. طرح تحقیق	۴

بخش اول. کلیات

فصل اول: مفاهیم و تعاریف	۶
مبحث اول: طرح مسئله و جایگاه آن	۶
مبحث دوم: تاریخچه مرور زمان و سابقه پژوهش در آن	۷
مبحث سوم: تعریف مرور زمان و انواع آن	۱۳
فصل دوم: مرور زمان مدنی	۱۷
مبحث اول: تعریف و انواع مرور زمان مدنی	۱۷
گفتار اول: مرور زمان مملک (مثبت)	۱۸
گفتار دوم: مرور زمان مسقط (منفی)	۱۸
گفتار سوم: مرور زمان استماع دعوا	۲۰
گفتار چهارم: مرور زمان مبتنی بر نظم عمومی	۲۰
مبحث دوم: مبانی مرور زمان مدنی	۲۱
گفتار اول: تثبیت روابط حقوقی	۲۱
گفتار دوم: فرض پرداخت یا اسقاط دین	۲۳
گفتار سوم: فراهم کردن امکان کشف واقع در دعاوی	۲۳
گفتار چهارم: مرور زمان، اماره‌ی اعراض ذی حق	۲۴
مبحث سوم: شرایط حصول مرور زمان مدنی	۲۴
گفتار اول: تصرف مالکانه	۲۴

- بند اول: مالکانه بودن..... ۲۶
- بند دوم: مسالمت آمیز بودن..... ۲۹
- بند سوم: استمرار داشتن..... ۲۹
- بند چهارم: علنی بودن..... ۳۰
- گفتار دوم: سکوت مدعی حق..... ۳۰
- گفتار سوم: گذشت مدت مقرر شده‌ی قانونی..... ۳۱
- بند اول: مرور زمان عادی..... ۳۱
- بند دوم: مرور زمان اختصاصی (استثنایی)..... ۳۲
- الف: مرور زمان بیست ساله..... ۳۲
- ب: مرور زمان پنج ساله..... ۳۳
- پ: مرور زمان سه ساله..... ۳۴
- ت: مرور زمان یک ساله..... ۳۴
- ث: مرور زمان شش ماهه..... ۳۶
- گفتار چهارم: تغییر مدت قانونی مرور زمان..... ۳۶
- گفتار پنجم: ابتدای مدت مرور زمان..... ۳۷
- گفتار ششم: امکان ضمیمه کردن تصرف ایادی سابق..... ۴۲
- گفتار هفتم: تعلیق مرور زمان مدنی..... ۴۳
- بند اول: تعریف تعلیق مرور زمان..... ۴۳
- بند دوم: جهات تعلیق مرور زمان..... ۴۴
- الف: عدم اهلیت و حجر..... ۴۵
- ب: زوجیت و قرابت..... ۴۷
- ۱: عدم جریان مرور زمان بین زوج و زوجه..... ۴۷
- ۲: عدم جریان مرور زمان بین اقارب خط مستقیم..... ۴۸
- ۳: عدم شمول مرور زمان نسبت به دعوی ارث بین اخوه..... ۴۸
- پ: قوه قاهره (فورس ماژور)..... ۴۹
- ت: شرایط و کیفیات دیون..... ۴۹
- ث: تحریر ترکه..... ۵۰
- گفتار هشتم: انقطاع مرور زمان..... ۵۰

بند اول: تعریف انقطاع مرور زمان	۵۰
بند دوم: تفاوت انقطاع و تعلیق مرور زمان	۵۱
بند سوم: عدم امکان تکرار انقطاع مرور زمان	۵۱
بند چهارم: انواع انقطاع مرور زمان	۵۱
الف: انقطاع حقیقی	۵۲
ب: انقطاع قانونی	۵۲
بند پنجم: موارد انقطاع قانونی	۵۳
الف: مطالبه حق با اقامه دعوا	۵۳
ب: مطالبه حق به وسیله‌ی اظهاریه قانونی	۵۳
پ: اقرار به دین	۵۴
ت: اقرار به مالکیت	۵۴
ث: خروج عین از تصرف متصرف فعلی	۵۴
بند ششم: حصول مرور زمان پس از انقطاع	۵۵
مبحث چهارم: آثار مرور زمان مدنی	۵۶
گفتار اول: حق استفاده از مرور زمان	۵۶
گفتار دوم: شخصی که می‌تواند به مرور زمان استناد کند	۵۶
گفتار سوم: اثر قهقراپی مرور زمان	۵۷
گفتار چهارم: اسقاط مرور زمان	۵۷

بخش دوم. مرور زمان در حقوق موضوعه

فصل اول: نگاه قانون گذار به مرور زمان	۶۰
مبحث اول: دیدگاه شورای نگهبان در خصوص مرور زمان	۶۰
مبحث دوم: بررسی رابطه مرور زمان عام و خاص	۶۵
فصل دوم: مصادیق مرور زمان عام (مواعد و مهلت‌ها) در حوزه حقوق خصوصی	۶۷
مبحث اول: بررسی مرور زمان در قانون آیین دادرسی مدنی	۶۷
مبحث دوم: بررسی مرور زمان در قانون مدنی	۷۶
مبحث سوم: بررسی مرور زمان در قانون تجارت	۷۷
مبحث چهارم: بررسی مرور زمان در قانون امور حسبی	۸۲
مبحث پنجم: جمع بندی	۸۲

بخش سوم. مرور زمان در فقه امامیه

- فصل اول: بررسی مرور زمان از منظر فقهی ۸۶
- مبحث اول: بررسی فقهی مبانی مرور زمان مدنی ۸۶
- گفتار اول: مرور زمان و دلایل خاص فقهی ۸۶
- روایات نبوی که برخی فقیهان یا حقوق دانان اهل سنت (الامین، ۱۹۹۳: ۷۱۲-۷۱۰؛ عبدالاجواد محمد، ۱۳۹۷ق: ۱۸) له یا علیه مرور زمان بدان تمسک جسته اند، به شرح زیر است: ۸۶
- بند اول: منابع اهل سنت ۸۷
- بند دوم: منابع امامیه ۸۸
- گفتار دوم: دیدگاه فقهای شیعی در رابطه با مرور زمان ۹۰
- گفتار سوم: تحلیل دیدگاه‌ها و نظریه مختار ۹۶
- جمع‌بندی ۱۰۳
- بند اول: موافقین مشروعیت مرور زمان و ادله آنها ۱۰۳
- بند دوم: مخالفین مشروعیت مرور زمان و ادله آنها ۱۰۳
- مبحث دوم: بررسی مرور زمان با توجه به قواعد فقهی ۱۰۴
- گفتار اول: رابطه قاعده اعراض با مرور زمان ۱۰۴
- بند اول: تعریف قاعده ۱۰۴
- بند دوم: مستند قاعده ۱۰۴
- بند سوم: قلمرو قاعده ۱۰۷
- گفتار دوم: رابطه قاعده اسقاط و ابرا با مرور زمان ۱۰۹
- گفتار سوم: رابطه قاعده حیات با مرور زمان ۱۱۰
- گفتار چهارم: رابطه قاعده اقدام با مرور زمان ۱۱۲
- فصل دوم: بررسی مرور زمان از نگاه غیر فقهی ۱۱۴
- مبحث اول: حکم حکومتی و رابطه آن با مرور زمان ۱۱۴
- مبحث دوم: قاعده عقلی ضرورت حفظ نظام اجتماعی و رابطه آن با مرور زمان ۱۲۲
- گفتار اول: ضرورت حفظ نظام اجتماعی (کبرای استدلال) ۱۲۳
- گفتار دوم: تعیین مهلت مطالبه‌ی حق، حافظ نظام اجتماعی (صغرای استدلال) ۱۲۷
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۳۱
- فهرست منابع ۱۳۵

مقدمه

الف. بیان موضوع

مرور زمان را می‌توان تاثیرات زمان بر اکتساب یا اسقاط حقوق یا تعهدات یا تکالیف نامید. بنابراین مرور زمان ممکن است اثر اکتسابی یا اثر اسقاطی داشته باشد. در حقوق ایران مرور زمان در ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی تعریف شده است "مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوا شنیده نمی‌شود". بنابراین در حقوق ایران مرور زمان مسقط حق اقامه دعوا به حساب می‌آید. مرور زمان اصولاً مسئله‌ای حقوقی است لکن ناظر به قضاوت، یعنی در مرحله رسیدگی به دعوا و صدور حکم مطرح می‌شود. بنابراین ماهیتاً یکی از مباحث مهم آیین دادرسی مدنی است و به طور عمده در این قبیل منابع بررسی می‌شود، و به دلیل آثار فراوان و حیاتی آن در روابط حقوقی افراد، از اهمیت ویژه‌ای در مباحث حقوقی و قضایی برخوردار است، زیرا بر اساس نظریه مرور زمان مدنی و مبانی تئوریک آن، فردی که نسبت به حقی ادعایی دارد، اگر در واقع نیز حقی داشته باشد، هرگاه در مدت مقرر شده برای مرور زمان اقدام به استیفای آن نکند، محاکم قضایی از استماع و رسیدگی به دعوی او خودداری خواهند کرد. از سوی دیگر فردی که مالی را در اختیار دارد و از امکان تصرف در عین و منافع آن برخوردار است، پس از گذشت زمان معینی از مبدا این تصرف، و عدم طرح ادعایی از جانب مدعی احتمالی ادعایی در محکمه علیه او، حتی اگر از طریق نامشروعی به این امکان و تصرف دست یافته باشد، پذیرفته نیست؛ بنابراین اگر چه مفاد نظریه مرور زمان اصولاً ناظر به مرحله دادرسی و قضاوت است، حتی اگر مدلول مستقیم آن نفی مالکیت مدعی نباشد، سلب حق دعوا در خارج از مدت مرور زمان، همان آثار نفی صریح مالکیت را برای مدعی در پی دارد و در مقابل، اثبات کننده آثار واقعی مالکیت برای فرد متصرف است. مرور زمان عام یعنی مهلت‌ها و مواعد در قوانین مورد تایید شورای نگهبان پذیرفته شده است که ماهیتی یکسان با مرور زمان خاص دارد. در متون روایی امامیه روایاتی وجود دارد که در مجموع می‌تواند مبنای پذیرش مرور زمان قرار گیرد و همچنین با توجه به جوابی که امام خمینی (ره) در استفتائی که دادگاه مشهد راجع به پذیرش مرور زمان از ایشان کردند ایشان بر مبنای کاهش حجم گسترده پرونده‌ها در محاکم قضایی مرور زمان را پذیرفته‌اند. در پایان مشروعیت مرور زمان مدنی را با اصول و قواعدی مانند قاعده اعراض، اسقاط و ابراء، حیات، اقدام، حکم حکومتی و قاعده عقلی ضرورت حفظ نظم اجتماعی نیز می‌توان پذیرفت.

ب. اهداف تحقیق

با توجه به مراتب فوق، رساله تحت امر، اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. تحلیل و بررسی مرور زمان از منظر روایات، فقها و قواعد فقهی مرتبط با آن.

۲. تبیین و تحلیل دیدگاه شورای نگهبان در خصوص مرور زمان.
۳. تحلیل حقوقی قوانین موجود در نظام حقوقی ایران در امور مدنی، در خصوص مرور زمان.
۴. نقد و بررسی رابطه مرور زمان عام و خاص.
۵. تعریف و بررسی تحلیلی مرور زمان در امور مدنی و آثار آن.

ج. سوالات تحقیق

بنابر توضیحات فوق، سوال اصلی تحقیق حاضر عبارت است از:

- ۱- آیا مرور زمان در دعاوی مدنی از منظر فقه دارای اثر است؟
- ۲- آیا میتوان بین مرور زمان عام و خاص قایل به تفکیک شد؟

د. فرضیه تحقیق

بر اساس تحقیقات به عمل آمده، فرضیه زیر قابل طرح است:

مرور زمان در دعاوی مدنی، کارکردی همانند یک دلیل اثباتی و قاطع دعوی دارد که از یک سوء وضعیت متصرف را تثبیت می‌کند و از جانب دیگر امکان طرح هر گونه ادعایی را از مدعی می‌گیرد. و مرور زمان در دادرسی مدنی با مبانی فقهی امامیه سازگاری دارد. مرور زمان عام یعنی مهلت‌ها و مواعد که این مرور زمان در قوانین پذیرفته شده است. بحث در این است که آیا مرور زمان خاص که به معنای طرح اقامه دعوا است نیز همانند مرور زمان عام می‌تواند قابل پذیرش باشد.

هـ. سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در باب پیشینه‌ی تحقیقی و پژوهشی این موضوع، در قلمرو مطالعات حوزوی شیعه، پژوهش‌های اندکی انجام شده است و در مجلات حقوقی نیز مقاله‌هایی چند به چشم می‌خورد؛ از جمله در مجله‌ی ماهنامه قضایی، کانون سر دفتران، مجله حقوقی وزارت دادگستری، مجله حقوقی و... می‌توان مباحثی درباره‌ی برخی از انواع مرور زمان یا زاویه‌ی خاصی از آن را دید. در میان کتاب‌های حقوقی منتشر شده، تنها به دو اثر می‌توان اشاره کرد:

یکی، رساله‌ی مختصری با عنوان «مرور زمان از لحاظ فقه اسلامی» تألیف عبدالصاحب صفائی که در سال ۱۳۳۳ منتشر گردید و دیگری کتاب اسلام و قانون مرور زمان تألیف محسن صفائی است که در سال ۱۳۴۵ منتشر شد. در میان منابع کلاسیک حقوق مدنی، تنها برخی نویسندگان به این بحث پرداخته‌اند، ولی شارحان آیین دادرسی مدنی و کیفری و قانون ثبت به دلیل طرح مرور زمان در این قوانین، آن را بررسی

کرده‌اند. پس از انقلاب اسلامی نیز مقاله‌های انگشت شماری در این باب منتشر شده است. هم چنین تعدادی پایان نامه در خصوص مرور زمان کیفری نگاشته شده است. (مهاجرانی، ۱۳۵۲؛ واعظی، ۱۳۵۴؛ قاضی سعیدی، ۱۳۵۰؛ خاتمی، ۱۳۷۳؛ صادقی، ۱۳۷۳؛ ساریخانی، ۱۳۸۰) البته در حوزه‌ی فقه و حقوق اهل سنت و نیز حقوق غربی، دست کم، از حیث کمی مرور زمان از پیشینه‌ی تحقیقی غنی تری برخوردار است. در این تحقیق ضمن نقد و بررسی حقوقی قوانین موجود در امور مدنی و همچنین روایات و اقوال فقها و قواعد فقهی مرتبط با آن، ضرورت بحث در این است که آیا قانون گذار ایران می‌تواند با پذیرش قاعده مرور زمان از افزایش حجم پرونده‌های قضایی که در عمل موجب عدم رسیدگی و یا عدم رسیدگی شایسته به بسیاری از دعاوی می‌شود، جلوگیری کند و به جای سیاست قضایی یک جانبه درمان، سیاست دوسویه پیشگیری و درمان را پیش گیرد

و. روش تحقیق

شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و شیوه تحلیل داده‌ها بصورت تحلیلی توصیفی و به طرق ذیل بوده است:

- الف) استفاده از منابع کتابخانه‌ای به صورت فیش برداری.
- ب) استفاده از نرم افزارهای فقهی و اصولی و معاجم لغت.
- ج) استفاده از نرم افزارهای حقوقی.
- د) رجوع به نشریات و فصلنامه‌های معتبر در زمینه مرور زمان.

ز. طرح تحقیق

در هر تحقیقی و حتی در تدوین قوانین، تعریف مفاهیم و مبانی و توضیح اصطلاحات تخصصی به کار رفته در آن متن، امری معقول، مطلوب و منطقی است. از این رو، بخش اول این نوشتار، به تعریف اجزا به کار رفته در عنوان؛ یعنی «مرور زمان»، و تاریخچه مرور زمان در حقوق مغرب زمین و ایران اختصاص داده شده است.

همچنین در این بخش، ضمن تعریف مرور زمان مدنی و انواع آن به مبانی مرور زمان مدنی و شرایط حصول آن اشاره خواهد شد و همچنین به تبیین و تشریح آثار مرور زمان مدنی پرداخته می‌شود. در بخش دوم به بررسی مرور زمان در حقوق موضوعه پرداخته و در نهایت در بخش سوم مرور زمان در فقه امامیه بررسی خواهد شد.

بخش اول کلیات

در فصل اول این بخش به مفاهیم و تعاریف، تاریخچه و تعریف مرور زمان خواهیم پرداخت، و در فصل بعدی، مرور زمان مدنی بطور مفصل و تحلیلی بررسی خواهد شد.

فصل اول: مفاهیم و تعاریف

در این فصل به مباحثی پیرامون جایگاه مرور زمان، تاریخچه مرور زمان و سابقه پژوهش در آن و تعریف مرور زمان خواهیم پرداخت.

مبحث اول: طرح مسئله و جایگاه آن

مرور زمان در فرهنگ حقوقی عرب، اغلب با عنوان «التقادم» و گاه «مرور الزمن» یا «مضی المدل» بیان می‌شود. (منصورالقاضی، ۱۴۱۸ق: ۵۳۰-۵۲۹) نزد حقوق دانان انگلیسی، رایج ترین نام آن «Prescription» است، اگر چه با اصطلاح «Limitation» و «Lapse of time» نیز مطرح می‌شود.^۱ و متداول ترین شکل آن در فرهنگ حقوقی فرانسه «La Prescription» است. (اسماعیل ذهب، ۱۹۸۸: ۲۴۳)

مرور زمان اصولاً مسئله‌ای حقوقی است، لکن ناظر به قضا؛ یعنی در مرحله‌ی رسیدگی به دعوا و صدور حکم مطرح می‌شود. بنابراین، ماهیتاً یکی از مباحث مهم آیین دادرسی است و بیشتر در این قبیل منابع تحقیق و بررسی می‌شود، و به دلیل آثار فراوان و حیاتی آن در روابط حقوقی افراد، از اهمیت ویژه‌ای در مباحث حقوقی و قضایی برخوردار است، زیرا بر اساس این نظریه و مبانی تئوریک آن، فردی که نسبت به مالی ادعایی دارد، اگر در واقع نیز حقی داشته باشد، هر گاه در مدت مقرر شده برای مرور زمان اقدام به استیفای آن نکند، محاکم قضایی از استماع و رسیدگی به دعوای او خودداری خواهند کرد. از سوی دیگر، فردی که مالی را در اختیار دارد و از امکان تصرف در عین و منافع آن برخوردار است، پس از گذشت زمان معینی از مبدأ این تصرف، و عدم طرح ادعایی از جانب مدعی احتمالی، ادعایی در محکمه علیه او پذیرفته نیست، حتی اگر از طریق نامشروع به این امکان و تصرف دست یافته باشد. بنابراین، اگر چه مفاد این نظریه، اصولاً ناظر بر مرحله‌ی دادرسی و قضا است، حتی اگر مدلول مستقیم آن نفی مالکیت مدعی غیر متصرف نباشد، سلب هر گونه مراجعه‌ی قضایی و حق اقامه‌ی دعوا برای رسیدن به حق مورد ادعا در خارج از مدت مرور زمان، در واقع همان آثار نفی صریح مالکیت را برای مدعی در پی دارد و در نقطه مقابل، اثبات کننده‌ی آثار واقعی مالکیت برای فرد متصرف است.

1. oxford Dictionary of law P.350

بر اساس نظریه‌ی مرور زمان، این قاعده کارکردی همانند یک دلیل اثباتی و قاطع دعوا دارد که از یک سو، وضعیت متصرف را تثبیت می‌کند و از جانب دیگر، امکان طرح هر گونه ادعایی را از مدعی می‌گیرد. در نتیجه، بحث مرور زمان از اهمیت کلیدی برخوردار است و هر نظام حقوقی و قضایی ناگزیر از ارائه دلایل خرد پسند در نفی یا اثبات آن است. (دیلمی، ۱۳۸۲: ۲۴)

مبحث دوم: تاریخچه مرور زمان و سابقه پژوهش در آن

به اعتقاد برخی، پیشینه‌ی تاریخی مقررات مرور زمان در ایران، به حقوق مغرب زمین، به ویژه فرانسه، باز می‌گردد و آن نیز ریشه در حقوق رُم دارد. (صفایی، ۱۳۳۳: ۳) در موارد ۷۱۱ و ۷۱۲ قانون مدنی فرانسه، مرور زمان از جمله اسباب تملک و در کنار وصیت، ارث، معاملات و... قرار داده شده است.^۱

هم چنین، در ماده ۱۲۳۴ همین قانون، مرور زمان یکی از اسباب سقوط تعهد ذکر شده است.^۲ در این قانون، مرور زمان دارای دو نوع مُسَقَط و مملک است. (متین دفتری، ۱۳۷۱: ش ۳۶۶) در مقابل، گروهی معتقدند که در فقه اسلامی، در بسیاری از مسائل حقوقی و مالی، به جوهره‌ی مرور زمان توجه شده، هر چند با این عنوان مطرح نگشته است؛ از جمله در مورد غایب مفقودالاثَر جهت صدور حکم موت فرضی، به مرور زمان توجه شده است. هم چنین، برای طلاق زنِ مردی که غایب مفقودالاثَر است، مرور زمانی به مدت چهار سال پیش بینی شده است و نیز امکان فسخ نکاح به وسیله زن به دلیل «عنن» شوهر، به گذشت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم و عدم معالجه‌ی مرد مشروط شده است.

بر اساس این دیدگاه، موارد ۱۰۱۹، ۱۱۲۹، بند ۱ ماده ۱۱۲۳، ۱۱۶۹ و ۱۱۵۰ قانون مدنی ایران که از فقه شیعه اخذ گردیده، از مصادیق مرور زمان است. (شفائی، ۱۳۴۵: ۸-۷)

در حوزه‌ی قانون گذاری اهل سنت، قانون مدنی دولت عثمانی به وسیله‌ی گروهی از فضلا و علمای متبحر، موسوم به جمعیت *الاحکام* نگاشته شده، و شامل تمام ابواب فقه حنفی است. این قانون، شامل شانزده کتاب و ۱۸۵۱ ماده و مقدمه‌ی مفصلی در باب قواعد کلی فقه، یعنی اصول فقه است و برخی فضلا و حقوق دانان مشهور عرب آن را شرح کرده‌اند. (سلیم باز، ۱۳۵۰: ۸۲؛ منیرالقاضی، ۱۹۴۹: ج ۴، ۲۵؛ خالدالاتاسی، ۱۳۵۵: ج ۵، ۷۲) در مقدمه‌ی باب دوم از کتاب «الدعوی» که غیر از دو کتاب «قضاء» و «بینات» است، درباره‌ی مرور زمان آمده است:

1. Art.712: " La propriete sacquiert aussi par accession ou incorporation et par prescription

2. Art.1234: " Les obligations s'eteignent : par Le Payement , par la novation , par la remise volontave , par la compensation , par la confusion , par la perte de la chose , par la nulltie ou La rescission , par leffet de la condition resolutoire , qui a ete expliquee au chapitre precedent , Et par La prescription , qui fera lobjet dun titre par ticulier "

مرور زمان در اصطلاح فقها، عبارت است از منع استماع دعوا، بعد از این که در مدت معلومی ترک شده باشد و این منع غیر قیاسی است - مقصود از غیر قیاسی این است که موافق با قواعد و اصول مسلمه کلی نیست - چه آن که حق با گذشت زمان ساقط نمی‌شود، بلکه منع مزبور از باب استحسان است، و وجه استحسان جلوگیری از حيله، تقلب و تزویر است؛ زیرا ترک دعوا در یک زمان ممتد ظاهراً دلیل است بر نبودن حق، چنانکه یکی از مستثنیات قانون مرور زمان آن است که هر وقت علت منتفی گردد، دعوایی که در ظرف مدت معینی اقامه نشده است قابل استماع خواهد بود. (متین دفتری، ۱۳۷۱: ۲۱۸-۲۱۷)

هم چنین، محمد عبدالجواد محمد (۱۳۹۷ هـ ق / ۱۹۷۷ م) می‌گوید:

هنگامی که در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه لیبی مشغول کار بودم. دوستم زکی الدین شعبان به من گفت که من موضوع حیازت را در شرح خطاب بر مختصر خلیل، در جزء ششم، ص ۱۹۰ پیدا کردم، و این کشف بزرگی دست کم برای من و همکارم بود. وقتی به این شرح مراجعه کردم، دیدم که در آن، چهل صفحه‌ی کامل در این مورد بحث شده است. هم چنین، در شرح المواق بر مختصر خلیل که در حاشیه‌ی آن آمده است، در حالی که در خود کتاب مختصر خلیل، در این باره چند خط بحث شده بود و آن هم در چند صفحه‌ی پراکنده. او همین مسئله را، انگیزه‌ی اصلی خود در تدوین کتاب الحیازل و التقدام فی الفقه الاسلامی المقارن بالقانون الوضعی می‌داند. به اعتقاد وی این واقعیت، نظر اشتباه عمومی و شایعی که شریعت اسلامی حیازت و مرور زمان را به رسمیت نمی‌شناسد، تصحیح می‌کند. (الامین، ۱۹۹۳: ۷۱۰؛ عبدالجواد محمد، ۱۳۹۷ق: ۹)

در منابع و متون فقهی امامیه، مرور زمان، آشکارا، به مفهوم حقیقی و امروزی آن مطرح نشده، ولی در بعضی منابع حدیثی فقه و برخی متون فقهی، روایاتی هست که نوعی مرور زمان را در مواردی مشخص، مانند مستغلات اعم از زمین و ساختمان، و گاه به طور عام تأیید می‌کند؛ از جمله در کتاب احیاء الموات، بابی با عنوان «من عطل أرضاً ثلاث سنین و من ترک مطاها»^۱ حق له عشر سنین» وجود دارد. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷: ۴۳۳؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷: ۲۳۳) در این روایات آمده است که اگر شخصی زمینی را سه سال متوالی و بدون دلیل رها کند، زمین از او گرفته و به دیگری واگذار می‌شود، یا کسی که زمینی از او گرفته شده، اگر تا سه سال برای باز پس گرفتن آن اقدام نکند، دیگر حق مطالبه‌ی آن را ندارد. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷: ۴۳۴؛ کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۲۹۷، ح ۲؛ شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۲۳۳)

هم چنین، به طور مطلق آمده است که هر کس برای مدت ده سال برای مطالبه‌ی حقش اقدام نکند، پس از آن حق درخواست آن را ندارد. البته نگرش فقیهان و نوع برداشت آنها از این قبیل روایات، در بخش سوم بررسی خواهد شد.

در تاریخ مکتوب حقوق ایران، اولین بار قاعده‌ی مرور زمان در یاسای چنگیزی مطرح گردید. در قسمتی از آن آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم، بقول الله تعالى و میامن الحق المحمديه، به فرمان سلطان محمود غازان در یرلیغ، منصب قضا از قیود و شروطی که متعارف و معهود است، مذکور بود که باید قاضی را هیچ آفریده از حکام و امراء و وزراء به خانه خود نطلبد و همه کس جهت فیصل قضایا به دارالقضاء رود و قاضی به هیچ علت و بهانه‌ای از مردم چیزی نگیرد و هر گاه حجتی نو نویسد، قباله کهنه را در طاس نابود گرداند و از هر کسی حيله و تزویری ظاهر شود، ریش او را تراشیده و بر گاو نشانند و گرد شهر برآورند.

یرلیغ دوم - چون همگی همت ما بر این است که امور جمهور، بر نهج عدالت فیصل پذیرد و موارد نزاع از میان خلائق ارتفاع یابد و حقوق در مراکز خویش قرار گرفته، ابواب تزویر مسدود گردد، چون به حضور قضات و علماء یرلیغ فرمودیم که در فصل قضایا و برایا، بر وجهی که مقتضی شریعت غرا باشد و از شوائب تزویر و مداهنه معری بود، امعان نظر کنند و قبالات را که مدت سی سال دعوا نکرده باشند - مزوری آن را دستور ساخته خواهد کرد که به حمایت قوی دستی مدعای باطل خود را به ثبوت رسانده - اصلاً مسموع ندارند و مرافعه آن قضیه نکنند و هیچ آفریده‌ای را مجال تمرد ندهند و اگر یکی از اهل اقتدار از ایشان الحاح فرماید و از مقتضای رفیع تجاوز نماید، کیفیت عرضه داشته کند تا بر وجهی او را سیاست فرماییم که موجب عبرت عالمین گردد و سوادها نزد جمیع قضات ممالک فرستاده و از تمامی قضات وثیقه و مهر ایشان گرفته که اگر دعاوی سی ساله مرافعه کنند، مستحق تعزیر و تأدیب و مستوجب عزل باشند. (صفایی، ۱۳۳۳: ۴-۳)

در مقررات نوشته‌ی ایران، در قانون تجارت (مصوب دلو ۱۳۰۳ و فروردین و خرداد ۱۳۰۴) مقرراتی راجع به مرور زمان اسناد تجارتي (برات، فته طلب و چک) و موضوعات دیگر تجاری پیش بینی شده بود. (متین دفتری، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۶۶) این قانون برای این که با مخالفت علمای موضوع متمم قانون اساسی مشروطیت مواجه نشود، به جای مجلس، در کمیسیون پارلمانی عدلیه به طور آزمایشی به تصویب رسید؛ زیرا در اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت، پیش بینی شده بود که عدم مخالفت قوانین با قواعد مسلم اسلام باید به تأیید علمای اعلام برسد. این راهی بود که

مشیرالدوله به مجلس پیشنهاد کرد و به زحمت توانست آنها را به این امر راضی کند. (اسکینی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۵)

پس از تأسیس سازمان جدید دادگستری در سال ۱۳۰۶ و اجباری شدن ثبت املاک، ضرورت وجود مقررات مرور زمان، بیش از هر زمان دیگری احساس گردید؛ زیرا ثبت اجباری، یک باره موجب پیدایش هزاران دعوی اعتراض به ثبت شد و در مقابل، مستند مالکیت درخواست کنندگان ثبت، نوعاً تصرف‌های متمادی خود یا مورث یا ناقل آنها بود و برای اغلب آنان محال بود که دلیل دیگری اقامه کنند. حال اگر معترضان می‌توانستند به گذشته برگردند و در صحت تصرف ایادی سابقه، به طور نامحدود تردید کنند، با توجه به قواعد مندرج در مواد ۳۶ و ۳۷ قانون مدنی^۱، مالکیت افراد متزلزل و موجب بروز بی‌ثباتی و بلوا در کشور می‌شد. به همین دلیل در دوره‌ی ششم قانون گذاری، در ۲۱ بهمن ۱۳۰۶، با تصویب قانون ثبت عمومی املاک، اصول مرور زمان اموال غیر منقول، برای نخستین بار به عنوان مقررات لازم‌الاجرا و الزام آور در امور مدنی، وارد قوانین موضوعه گردید. (شهری، ۱۳۷۳: ۲۴۰-۲۳۶) این پیشنهاد دولت با مخالفت برخی افراد متشرع مجلس مواجه گردید، ولی مرحوم سید حسن مدرس که از روحانیون نامدار و پرنفوذ مجلس بود، طی سخنانی - اگر چه نمی‌توان آن را تأیید قاعده‌ی مرور زمان پنداشت - از این مصوبه دفاع کرد:

ما که اساساً بر عقیده اسلامی خودمان، این محاکم عرفی دولتی را خلاف شرع و برای رسیدگی و مداخله در هیچ دعوی، صالح نمی‌دانیم. با این حال وقتی که خود آنها حاضر شده اند که در یک قسمت از دعوی (تحت عنوان مرور زمان) مداخله نکنند و صلاحیت خود را محدود نمایند، دلیلی ندارد ما مخالفت کنیم. (صفایی، ۱۳۳۳: ۲۱)

دو سال بعد از آن، به موجب قانون مرور زمان اموال منقول، مصوب تیر ۱۳۰۸، قاعده‌ی مرور زمان تعمیم یافت و شامل اموال منقول نیز گردید و از حیث مقررات مربوط به مبدأ مرور زمان و چگونگی تعلیق و انقطاع آن، تا حدودی کامل تر شد و در سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ نیز اصلاحاتی در آن به عمل آمد.

هم چنین، در قانون تجارت فعلی (مصوب ۱۳۱۱) در فصل چهارم، از باب دوم، در مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ مقررات ویژه‌ای درباره‌ی مرور زمان اسناد تجارتي پیش بینی شده است.

۱. ماده ۳۶ قانون مدنی: « تصرفی که ثابت شود ناشی از سبب مملک یا ناقل قانونی نبوده، معتبر نخواهد بود. » ماده ۳۷ قانون مدنی: « اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است، در این صورت مشارالیه نمی‌تواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور به تصرف خود استناد کند، مگر این که ثابت نماید که ملک به ناقل صحیح به او منتقل شده است. »

تصویب قانون آیین دادرسی مدنی در ۲۵ شهریور ۱۳۱۸، فرصتی را برای قانون گذار فراهم ساخت تا گام‌های بلندی را در جهت تثبیت، تعمیم و تکمیل مقررات مرور زمان بردارد و عملاً این مقررات را به قلمروی گسترده‌ی حقوق مدنی تسری بخشد.

یکی از حقوق دانان مشهور، که در تدوین قانون آیین دادرسی مدنی دخالت داشته، در این باره چنین اظهار نظر کرده است:

هنگام تنظیم قانون آیین دادرسی مدنی متوجه شدیم، در قوانینی که تدریجاً راجع به مرور زمان گذشته است، بسیاری از مسائل اساسی به اجمال برگزار شده و مبهم یا مسکوت مانده است؛ از جمله درست روشن نشده بود که مرور زمان از حقوق خصوصی است یا از قواعد آمره؟ ابتدای مرور زمان نسبت به دعاوی مختلف چه زمانی است؟ موارد تعلیق مرور زمان کافی نبود، و خصوصیات انقطاع آن ابهام داشت، و قانون مدنی نسبت به تصرف که اساس مرور زمان (سبب مملک) است، اجمال داشته و ویژگی‌های آن را اعلام نمی‌دارد. به این جهات لازم دانستیم که برای رفع این نقایص در آیین دادرسی مدنی بایی را به مرور زمان اختصاص دهیم^۱ و با توجه به تجارب حاصله از اجرای قوانین ۱۳۰۶، ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ راجع به مرور زمان، مقررات جامعی در این باره وضع کنیم که اگر چه از ابواب آیین دادرسی مدنی است، ولی در واقع متمم قانون مدنی محسوب می‌گردد. (متین دفتری، ۱۳۷۱، ج ۲، ش ۳۶۶؛ مدنی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۴۸-۴۲۹؛ یآوری، ۱۳۷۲، ش ۵-۴: ۱۵۷-۱۵۲)

در سال ۱۳۳۰، هنگام تصویب قانون آیین دادرسی کیفری و نیز در قانون مجازات عمومی، مقرراتی در باب مرور زمان کیفری به تصویب رسید^۲. (آخوندی، ۱۳۷۰: ۲۲۶-۲۱۰)

سرانجام در سال ۱۳۳۴، مصوبه‌ای به تصویب هیئت وزیران رسید که به موجب آن مرور زمان پذیرفته شد. متن این مصوبه به شرح زیر است:

هیئت وزرای عظام در جلسه دوازدهم جمادی الاخر ۱۳۳۴، به پیشنهاد وزارت عدلیه تصویب نمودند که چون رسیدگی به دعاوی که از بیست سال قبل تا کنون در عدلیه مطرح نشده، باعث زحمت و تفکیک حق از باطل موجب تضییع اوقات محاکم خواهد بود، لذا وزارت عدلیه، دعاوی که از بیست سال قبل تا حال که اساساً رجوع به عدلیه و محاضر شرعیه نشده است، محاکم عدلیه عرض حال آن را نپذیرفته و این قبیل قضایا را مطرح مذاکره قرار ندهند تا به سهولت در اجرای دعاوی حقه عارضین اقدام بشود و به طور فوق العاده رسیدگی چنین امری اگر لازم آید، وزیر

۱. ر.ک: باب یازدهم از قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) مواد ۷۳۱ الی ۷۶۹

۲. ر.ک: قانون مجازات اسلامی، مواد ۵۳-۴۹